

چون ولا الضالین بود صدیقین هت الف تابع بحرف اولین

فیه تفخیم الراء و ترفیقها

قاریان خوانند را بر دو قسم یک مفتح یک مرفق اند اسم
چون شود مفتوح یا مضموم را خوان مفتح چون رزقنا ربنا
و ربود مکسور ترفیقش بخوان مثل رزقنا ربنا را بدان
و ربود ساکن بماقبلش نکر چون بود مضموم یا مفتوح مکر
مثل قرینه مرضعة اندر کلام خوان توان را ترفیح مقام ^{کلمه}
و ربکسر عاضه باشد بریر چون ان اربتم توان غلط گیر
و ربناشد عاضه ان کسرش حرف استعلاء بود ما بعد ریش
باز انرا کن قوی ای حق شناس مثل مرصاد و فرقة زین قیاس
و ربناشد حرف استعلاء بیها مثل مرید خواهش ترفیق بیس
و ربود ساکن ماقبل نیز یا ساکن باشد انرا کن تمیز
مثل خیر و طیر در وقفای چون نیز انرا بسبب که باز خوان
و ربناشد

و ربناشد یا ببل حرفه دکر کس بود ماقبل مفتوح ای سپر

یا بود مضموم انرا کن قوی لیلۃ القدر است اگر توشنور

هم مثال دیگرش باشد نشور لیک در وقت است ای صلب شعور

و ربود مکسور ترفیقش بخوان مثل من خیر فقیر و فوان

فیه تفخیم اللام و ترفیقها

ای برادر در کلام حق تعالی لامها را خوان برق اندر تقا
غیر در الله هر جا واقع است خوان مفتح چون در اسمع
لیک در وقتی بود ماقبلان فتح یا ضمه چون الله را بدان
یا چون عبد الله مثال دیگرش در کلام الله حقیقت بنکرش
و ربود مکسور ترفیقش بخوان مثل الله و بالله در ان

فیه بیاحروف الشمیة و القمریة

اتفاق قاریان با و فاء بر دو قسم آمد حروف ابجا
قسم اول شمیة خوانند ان قسم ثانی قمریة در بیان

Copyright © King Saud University